

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا "شمارش معکوس" پایان تسلط دلار بر اقتصاد جهانی آغاز شده؟



(ترجمه)

پرسش:

شماری از دولت‌های جهان، به ویژه روسیه، چین و اتحادیه اروپا سعی دارند در دادوستدهای بین‌المللی خویش واحد پولی دیگری را جایگزین دلار نمایند، در حدی که برای تعامل با واحد پولی داخلی میان برخی دولت‌ها توافق نامه‌هایی نیز به امضاء رسیده، مانند توافق روسیه با هند به تاریخ 31 اکتوبر 2018م برای فروش موشک‌های اس400 با واحد پولی روسیه و توافق آن با ترکیه یک ماه قبل مبنی بر استفاده از واحدهای پولی دو کشور برای پرداخت بهای معاملات مشابه موشکی که در جریان نشست سران کشورهای ترک زبان صورت گرفت. چین نیز اعلان نمود که پول نفت و ارداتی را از ایران با "بتروویان" پرداخت خواهد نمود. همچنین بانک مرکزی چین نیز توافق نامه‌ی دوجانبه‌ای را با همتای جاپانی‌اش به امضاء رسانید که بر اساس آن قرار شد 200 میلیارد یوان (29 میلیارد دلار) را با 3.4 تریلیون یین جاپان (31 میلیارد دلار) تبادل نماید. پرسش این است که آیا با این حساب "شمارش معکوس" پایان سلطه دلار بر اقتصاد جهانی آغاز گردیده؟

پاسخ:

برای بهتر و واضح شدن پاسخ، نخست به جایگاه واقعی دلار در اقتصاد جهانی می‌پردازیم:

اول: دلار برای نخستین بار در سال 1944م و از طریق توافق نامه "بریتون ووتز" شروع به برجسته شدن نمود، چنانچه امریکا به دلیل پیروزی‌اش در جنگ جهانی و بدون خسارت، دلار را در آن نشست بالای جهانیان اعمال نمود. به این ترتیب نظام مالی جدیدی وضع گردید که بر اساس آن ده دولت بزرگ صنعتی جهان موافقت نمودند دلار را پشتیبان اصلی واحد پولی خویش پذیرفته و برای واحد پولی داخلی خویش قیمت مشخصی در برابر دلار تعیین نمایند. امریکا نیز در مقابل پذیرفت که طلا را پشتوانه‌ی دلار امریکایی برگزیده و بهای آن را در برابر هر اونس طلا 35 دلار تعیین نمود. پس از آن تمام بانک‌های مرکزی بیگانه دلار را بر اساس قیمت ثابت دلار وابسته به طلا تبادل می‌نمودند. ذخایر طلای جهان در آن زمان طوری تخمین زده شد که دو سوم آن در امریکا و یک سوم باقی مانده در سایر دولت‌های جهان وجود دارد. اما تداوم ضعف بودجه پرداختی امریکا به دلیل تأثیرگذاری هزینه‌های خارجی منجر به این شد که میزان ذخایر طلای امریکا کاهش پیدا کند، چنانچه در میان

سال‌های 1961 و 1970 م به حدود پنج میلیارد دلار رسید. اینجا بود که نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در سال 1971 م برای محافظت از ذخایر طلای آمریکا تصمیم گرفت تبادله دلار را در برابر طلا متوقف نماید و اعلان کند که دیگر طلا پستوانه دلار نمی‌باشد.

پس از آن اداره نیکسون با تغییرات مالی جدید از طریق یک سلسله توافقاتی با حکومت شاهی عربستان سعودی تعامل نمود که در میان سال‌های 1972 الی 1974 م صورت گرفت و به این ترتیب بود که پدیده پترودالر به وجود آمد و دولت‌های بیگانه را یک قدم به جانب پذیرش استفاده از دلار پیش‌تر برد، زیرا این دولت‌ها به پترول نیاز داشتند و پترول بر اساس توافقات صورت گرفته با عربستان سعودی به صفت بزرگترین تولیدکننده نفت در جهان، باید با دلار خرید و فروش می‌شد.

حکومت شاهی عربستان سعودی توافق دیگری نیز با آمریکا داشت که بر اساس آن میلیاردها دلار آمریکا را که از طریق فروش نفت به دست آورده بود، مجدداً به آمریکا بر می‌گرداند و آن عبارت بود از توافقتنامه خرید سلاح از شرکت‌های سلاح‌سازی آمریکا، ساختارهای زیر بنایی و خرید اوراق قرضه خزانه آمریکا، طوری‌که با فرارسیدن سال 1977 م تقریباً 20 درصد مجموع اوراق قرضه خزانه آمریکا در خارج در اختیار سعودی بود. اگر به علاوه پترول، طلا را نیز که با دلار خرید و فروش می‌گردید، در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که چرا دولت‌های جهان حریص شدند، میزان بیشتری دلار را در اختیار داشته باشند، در حدی‌که فیصدی ذخایر نقدی دلار در بانک‌های مرکزی جهانی تا سال 2000 به 71 درصد رسید، هر چند پس از این سال تا 62 درصد کاهش داشت، همچنین 40 درصد قرضه‌های جهانی با دلار صادر می‌گردد.

دوم: در حال حاضر دلار آمریکا بالای معاملات جهانی تسلط دارد و این وضعیت باعث به وجود آمدن بازار بزرگ مصنوعی برای دلار شده و همین مسأله است که دلار آمریکایی را از هر واحد پولی داخلی دیگری برتر قرار داده است. در حقیقت دلار تبدیل به شرط میزان بی‌شماری از معاملات در سراسر جهان شده که روزانه به بیشتر از 5.4 تریلیون دلار می‌رسد، بدون این‌که هیچ‌گونه ارتباطی با تولیدات و یا خدمات آمریکائی داشته باشد. نکته قابل توجهیست که دلار 84.9 درصد از مجموع معاملات پولی روزانه بیگانه را تشکیل می‌دهد و این در حالی است که معاملات تجارتي خود آمریکا کمتر از نیم این میزان را تشکیل می‌دهد. دلیلش این است که دولت‌های دیگری غیر از آمریکا امور تجاری‌شان را با دلار انجام می‌دهند. دلیل قدرت برتر اقتصادی دلار این است که آمریکا تبدیل به قدرتی شده که توان مجازات اقتصادی و پولی دولت‌های زیر نظرش را دارد، بلکه حتی می‌تواند سایر دولت‌ها را نیز وادار نماید تا دست از تجارت با دولت مورد نظر بر دارند.

آمریکا این قدرت را از طریق سیستم TFIWS یعنی "مخابرات بی‌سیم و باسیم جهانی میان بانک‌ها) به دست آورده، سیستمی‌که پرداخت‌ها را بر اساس دلار تنظیم می‌کند و از آن جایی‌که دلار یگانه واحد پولی ذخایر جهانی است، سیستم TFIWS کار سیستم جهانی دلار را آسان می‌کند و تمام دولت‌ها در سراسر جهان معاملات خویش را بر اساس آن انجام می‌دهند و این باعث می‌شود تمام معاملات دو جانبه با استناد به دلار صورت گیرد. به طور مثال: روسیه و چین بدون استفاده از سیستم TFIWS و استناد به دلار نمی‌توانند هیچ نوع کالا و خدماتی را با پول‌های داخلی خودشان انجام دهند و آمریکا می‌تواند با استفاده از این سیستم، تحریم‌های اقتصادی سختی را علیه آنان اعمال کند. آمریکا در میان سال‌های 2014 و 2015 م بسیاری از بانک‌های روسیه را به دلیل تنش آلود شدن روابط دو کشور از سیستم TFIWS منع نمود. در نومبر 2018 م آمریکا با استفاده از سیستم TFIWS علیه ایران تحریم‌های قاطعی را اعمال نمود و بسیاری از شرکت‌های اروپائی به دلیل ترس از آمریکا معاملات خویش را ایران را برهم زده و به آن وفا نکردند.

دلیل تمام این مسائل، چنان که قبلاً گفته شد، این است که دلار یگانه واحد پولی ذخایر جهانی می‌باشد، چنان‌چه «سهم دلار در ذخایر 146 بانک مرکزی در سراسر جهان با پایان سال گذشته به 64 درصد از مجموع ذخایر پولی این بانک‌ها رسید. یورو با کسب 20 درصد از این مجموع جایگاه دوم را از آن خود نمود و این در حالی است که یین جاپان و جنیه استرالیایی از 5 درصد فراتر نرفت؛ اما یوان چین در ذخایر بانک‌های یادشده از 108 میلیارد دلار آمریکایی بیشتر نبود و اصلاً قابل یادآوری نیست که در مقایسه با ذخایر دلار در این بانک‌ها فقط 1 درصد می‌باشد.» (منبع: www.alquds.co.uk 19 اکتوبر 2018 م)

سوم: دولت‌های قدرتمند و دارای وزنه جهان در واکنش به این واقعیت "تسلط دالر" برای کاستن از تأثیر دالر، دور راه را پیش گرفتند: یکی راهی بود که اروپا نخست در سال 1999م پیش گرفت و در نتیجه آن یورو در سال 2002م رسماً به رقابت دالر پرداخت. این راهی بود که دولت‌های اروپائی به دلیل اقتصاد قوی و اعتمادی که به توانایی‌شان برای رقابت کردن داشتند، پیش گرفتند. راه دوم، راهی بود که روسیه و چین پیش گرفتند، اما با تأخیر، زیرا توان رقابت با دالر را در آن زمان "زمان شروع رقابت یورو با دالر" نداشتند تا این که بحران اقتصادی سال 2008م از راه رسید و این دولت‌ها نگران این شدند که مبدا این بحران ذخایر دالری آنان با کاهش ارزش دالر، کم‌بها شود. به همین دلیل بود که برای جلوگیری از تسلط دالر با دولت‌های قدرتمند اروپا همراه شدند. سپس همزمان با تبدیل شدن چین به عنوان یکی از غول‌های اقتصادی جهانی، این تلاش‌های بین‌المللی برای کاستن از قدرت و تأثیر دالر اندک اندک مؤثریت‌اش را ظاهر نمود.

به این ترتیب، بحران اقتصادی سال 2008م به مثابه زنگ خطری برای دولت‌ها بود تا در مورد دالر عمیق‌تر فکر کنند، زیرا دیده بودند که این بحران بالای دالر تأثیر گذاشته بود. اما اقدامات تحریک‌آمیز ترامپ و تحریم‌هایش دست پیش گرفت؛ سیاست جدید امریکا که توسط اداره حکومت ترامپ به پیش برده می‌شود، قبل از رویکرد سایر دولت‌های بزرگ برای کاستن از تسلط دالر امریکایی بر جهان، دست به کار شد و اقدامات پیش‌گیرانه‌ای را روی دست گرفت. سیاست ترامپ در قالب شعار "اول امریکا" ظاهر گردید، هر چند تمام اداره‌های امریکا بدون شک در راستای منافع امریکا عمل می‌نمود، اما اداره حکومت ترامپ بیشتر روی عدم اعتراف به منافع سایر دولت‌ها متمرکز گردید، چنانچه ترامپ از اروپا خواست در بدل حمایت امریکا از آن باید پول بپردازد، هشدارهای آتشی را در خصوص فروختن جنگ تجاری با چین به زبان آورد و از جاپان و کوریایی جنوبی خواست در ازای حمایت آنان در برابر موشک‌های کوریایی شمالی پول بپردازند.

زمانی که ترامپ تحریم‌های ایران را وضع می‌نمود، طوری این تحریم‌ها را طراحی کرد که هر فردی را که برای خریداری نفت ایران از دالر استفاده می‌کند، شامل آن شود و از آن جایی که چین در حال حاضر بزرگترین وارد کننده نفت در سطح جهان می‌باشد. این اقدام ترامپ چین را تحریک نمود تا برای جلوگیری از استفاده از دالر دست به کار شود، به ویژه با توجه به جنگ تجاری که با امریکا دارد. بناءً در ماه مارچ 2018م بود که بازار بورس شانگهای را برای معاملات به تأخیر افتاده راه اندازی نمود و نخستین معامله تأخیری و باز آن برای سرمایه‌گذاران بیرونی بود و کالای این معامله همان نفت تأخیری بود که بالای یوان چین استناد داشت تا به این ترتیب در برابر معاملات برنت و ITW که مستند به دالر بوده و در حال حاضر به صفت معیار اصلی به کار برده می‌شود، رقابت نماید.

به این ترتیب، بالا گرفتن بحران اقتصادی امریکا در سال 2008م و پیامدهای آن بالای اقتصاد بسیاری از دولت‌ها و تحمل خسارت‌های فراوان از این بحران و سپس اقدامات جانب‌دارانه ترامپ و جنگ تجاری، سیاست‌های اقتصادی و پولی را که وی روی دست گرفته، تمام این موارد باعث شده طرف‌های مختلفی برای پایان دادن به تسلط دالر قدهلم کنند.

چهارم: به این ترتیب، دلایل فوق برخی از کشورها، به ویژه کشور های مستقل قدرتمند را تحریک نمود، بلکه حتی در برخی موارد دولت‌هایی را تحریک نمود که در محور امریکا می‌چرخند، هر چند تأثیرگذاری اصلی و مؤثر تنها از جانب کشورهای مستقل صورت می‌گیرد، زیرا تأثیرگذاری کشورهایی که در محور امریکا قرار دارند، مقطعی بوده و به یک هدف خاص صورت می‌گیرد و خیلی زود متوقف می‌شود، زیرا چنین کشورهایی تا زمانی که در محور امریکا در گردش باشند، نمی‌توانند با امریکا به گونه فعال مخالفت داشته باشند. اینک فعالیت این کشورها را بررسی می‌نماییم:

1- فعالیت‌های کشورهای مستقل:

(الف) روسیه: میدویدوف رئیس جمهور روسیه در سال 2009م پیشنهاد "واحد پول جدید جهانی" را در گردهمایی گروه هشت در لندن مطرح نمود تا به عنوان واحد پولی برای ذخایر جهانی جایگزین دالر گردد. کشورهای چین، روسیه، هند، ترکیه و چند کشور دیگر دولت کننده نفت در این اواخر موافقت کرده اند که معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری‌شان را با واحد پولی خودشان انجام دهند؛ اما با وجود آن هم، هنوز طلا و نفت خام با دالر دادوستد می‌شود. دلیل این که روسیه بارها اعلان نمود دالر را با سایر پول‌های ملی تبادله نموده و پول نفت روسیه را با سایر واحدهای پولی دریافت می‌کند و نه دالر، این است که

امریکا بعد از جنگ روسیه در اوکراین و اشغال شبه‌جزیره کریمیه و شرق اوکراین در سال 2015م، تحریم‌هایی را بالای روسیه اعمال نمود؛ هم چنین دلیل دیگرش واکنش نشان دادن به تحقیقاتی است که در خصوص مداخله روسیه در انتخابات سال 2016م آمریکا جریان دارد.

پس از آن آمریکا تحریم‌هایش را از سال 2015م افزایش داد و کانگریس آمریکا این تحریم‌ها را به تدریج وسعت بخشید و از "قانون رویارویی با دشمنان آمریکا از طریق اعمال تحریم‌ها" استفاده نمود؛ قانونی که در ماه اگست سال 2017م منتشر شد و به این ترتیب تحریم‌های شدیدتری را بالای روسیه اعمال نمود. این‌ها موفق‌گیری‌های بسیار قوی علیه روسیه به شمار می‌رفت و منجر به قطع رابطه بانک‌های بزرگ روسیه با دلار شد و در نتیجه آن قیمت ربل واحد پولی روسیه تا 18 درصد در برابر دلار کاهش داشت. این اتفاقات در حالی می‌افتد که روسیه در 58 درصد از قرضه‌هایش از دلار استفاده می‌کند، یعنی تقریباً نیمی از قرضه‌هایش را با دلار دریافت می‌کند. بنابر این، روسیه در تنگنایی قرار گرفت که آن را وادار نمود استفاده از دلار را کاهش داده و خود را از وابستگی مالی و اقتصادی و نقدی به دلار آزاد سازد.

چنانچه پوتین در اظهارات‌اش در شورای دوما گفت: «در حالی که تجارت نفت در بازار بورس با دلار صورت می‌گیرد، ما باید سعی کنیم سیادت اقتصادی مان را استحکام بخشیم و طبیعی است که ما در مورد چگونگی رهائی از این واقعیت تحمیلی فکر می‌کنیم.» او در ادامه افزود: «ما در جریان چند دهه گذشته ساده‌لوحانه عمل می‌کردیم، امیدواریم به توافقات و اساسات اعلان شده تجارت و اقتصاد جهانی پایبندی صورت گیرد. در حال حاضر ما شاهد نقض بسیاری از قوانین سازمان تجارت جهانی می‌باشیم و محدودیت‌های دیگری را شاهدیم که بر اساس ملاحظات سیاسی اعمال می‌شود و نام آن را تحریم‌ها می‌گذارند.» (منبع: دنیا الوطن 9 می 2018م) سپس روسیه به تدریج شروع به کاستن از اوراق قرضه خزانه آمریکا در نزد خود نمود، آن‌چه که در سال 2008م با 223 میلیارد دلار به اوج خود رسیده بود، حتی در اواخر سال گذشته به نزدیک به صد میلیارد رسید. در پی اعمال تحریم‌های آمریکا بالای روسیه، این کشور بسیاری از اوراق قرضه خویش را در جریان ماه‌های اپریل و می 2018م به فروش رسانید و در حال حاضر فقط 14.5 میلیارد دلار از این اوراق قرضه را در اختیار دارد.

اما با وجود این همه، باز هم روسیه نمی‌تواند ربل را جایگزین دلار نماید، زیرا اعتماد ضعیفی که به ربل وجود دارد، باعث می‌شود روسیه نتواند کشورهای قدرتمند را به جانب خود بکشاند. دلیل آن بر می‌گردد به این که بسیاری از دولت‌های جهان تمایلی به خرید ربل ندارند، زیرا بهای آن در بازارهای جهانی به پیمانۀ گسترده‌ای در حال نوسان است و در کل جهان به ربل روسیه به صفت واحد پولی ذخایر جهانی اعتماد نمی‌کنند. به این ترتیب می‌توان گفت بیشترین کاری را که روسیه می‌تواند انجام دهد، این است که بالای برخی دولت‌ها فشار آورد تا در بدل مواد سوختی که از روسیه خریداری می‌کنند، ربل بپردازند؛ اما به هیچ‌وجه امکان ندارد واحد پولی روسیه جایگزین دلار گردد.

دیمتری بیسکوف سخنگوی پوتین در گفتگویی با روزنامه فایننشال تایمز گفت: «شمار زیادی از دولت‌های جهان، نه فقط در شرق، بلکه همچنین در اروپا به این می‌اندیشند که چگونه می‌توانند از وابستگی‌شان به دلار آمریکایی بکاهند. زمانی خواهد رسید که این دولت‌ها ناگهان متوجه چند واقعیت خواهند شد: 1- این کار ممکن است. 2- این کار باید صورت گیرد. 3- اگر زودتر دست به کار شوید، می‌توانید خود را نجات دهید.» وی افزود: «لغو دلار تا جایی ممکن است، اما این مسئله ربطی به اراده خروج از منطقه دلار ندارد، بلکه به این ربط دارد که بدیل دلار چه خواهد بود: یورو؟ یوان؟ یا بیتکوین؟» کوریت شینکو معاون سابق رئیس بانک مرکزی روسیه نیز در اظهاراتی گفت: «هریک از این گزینه‌ها، هزینه‌های خاص خود را خواهد داشت، ما باید هزینه‌های باقی ماندن با دلار و هزینه‌های ایجاد موفق‌گیری جدید را سبک و سنگین نماییم.» (منبع: Financial Times 3 اکتوبر 2018م) تمام این اظهارات بیانگر این است که مسئولین روسی خودشان نیز مطمئن نیستند که ربل توان جایگزین شدن دلار به عنوان واحد پولی جهان را دارد یا خیر.

(ب) چین: چین قطعاً امکان این را دارد که واحد پولی‌اش "یوان" را رقیب قوی جهانی دلار قرار دهد، اما مشکل این است که افق سیاسی جهانی آن تنگ است و این روی افق اقتصادی جهانی آن نیز از نظر رقابت و کشمکش با آمریکا تأثیر می‌گذارد و به همین دلیل است که چین با وجود حجم عظیم اقتصادی که دارد تا کنون نتوانسته واحد پولی‌اش را در معاملات جهانی و بازارهای مالی جهان تحمیل نماید و پیوسته به دلار متکی می‌باشد و مقدار بسیار زیادی از دلار را جمع نموده؛ مقداری که در جریان سال‌های اخیر به 3 تا 4 تریلیون دلار تخمین زده می‌شود. هرچند چین سعی نموده خود را از مؤسسات مالی آمریکا

دور کند، چنانچه گروه اقتصادی "برکس" را با روسیه، هند، برازیل و سپس جنوب افریقا تشکیل داد و مجموع میزان اقتصادی گروه برکس به حدود 15 تریلیون دلار می‌رسد که معادل 20 درصد حجم اقتصادی جهان را تشکیل می‌دهد که 74 تریلیون دلار است. همچنین در جولای 2015م یک بانک توسعه‌ای را برای تمویل پروژه‌ها و قرضه‌های این گروه در شانگهای و با سرمایه 50 میلیارد دلاری تأسیس نمود که در این اواخر به 100 میلیارد دلار رسید. هدف از تأسیس این بانک این بود که به عنوان بدیل بانک جهانی عمل کند، اما با وجود آن هم چین نتوانست خود را از دالر بی‌نیاز کند.

زمانی که ترامپ تحریم‌هایش را بالای ایران اعمال نمود و این تحریم‌ها را شامل هرکسی نمود که بخواهد از دالر برای خرید نفت ایران استفاده نماید و در عین حال چین در حال حاضر بزرگترین واردکننده نفت در جهان به شمار می‌رود، بناءً این اقدام ترامپ، چین را تحریک نمود تا گام‌هایی را برای توقف استفاده از دالر روی دست گیرد، به خصوص با توجه به این که در جنگ تجاری با امریکا قرار دارد. به همین دلیل بود که در ماه مارچ 2018م نخستین بازار بورس معاملات تأخیری و بازار باری سرمایه‌گذاران بیرونی را "بازار بورس شانگهای" راه‌اندازی نمود. این کار، یعنی خرید نفت تأخیری، "یوان" را پشتیبانی نمود تا معاملات برنت و WTI که توسط دالر پشتیبانی می‌شوند و به عنوان معیارهای کنونی استفاده می‌شوند، رقابت نماید. بناءً تمام این اقدامات می‌تواند دالر را متزلزل کند.

اما آنچه مانع عملکرد جدی چین برای کنار زدن دالر یا متزلزل نمودن آن به گونه فعال می‌شود، این است که چین به شدت وابسته به اقتصاد و دالر امریکاست. چنانچه میزان تجارت میان امریکا و چین بی‌نهایت عظیم است و سالانه به 500 میلیارد دلار می‌رسد و چین در حال حاضر 1170 میلیارد دلار در اوراق قرضه خزانه امریکا دارد. (منبع: سایت روزنامه مالی چین موسوم به 20 Saixin سپتمبر 2018م)

البته در سال 2013م این شمار به 1300 میلیارد دلار می‌رسید که اینک کاهش را نشان می‌دهد و چین با این مبلغ، بزرگترین دولت در سطح جهان است که این مقدار از این اوراق قرضه را در اختیار دارد و ذخایر دالر چین به 3 الی 4 تریلیون می‌رسد. به علاوه این که بر اساس آماری که سازمان تجار جهانی ارائه داده، چین در جریان سال 2016م به قیمت 2.1 تریلیون دلار به جهان کالا صادر نمود و به قیمت 1.6 تریلیون واردات داشت که نشان می‌دهد چین بعد از امریکا نخستین گول تجارت جهانی می‌باشد.

به این ترتیب دیده می‌شود حجم عظیم تجاری با دالر به علاوه اوراق قرضه خزانه‌اش باعث شده چین برای مختل نمودن موقف جهانی دالر یک قدم پیش گذارد و یک قدم پس. بدون شک موفقیت امریکا در قناعت دادن چین برای تجارت جهانی با دالر باعث شده چین به عدم تزلزل موقف دالر اهمیت دهد، زیرا چین می‌داند که بزرگترین ضرر از متزلزل شدن دالر متوجه وی خواهد بود و همین مسئله است که چین را انگیزه می‌دهد نقش‌اش را در این روند بسیار کند و با احتیاط بازی کند تا ذخایر دالر و اوراق قرضه‌اش به خطر نیفتد. حتی اگر چین و روسیه در تجارت میان خویش به صورت کامل از دالر دست بر دارند، باز هم مشکل حل نخواهد شد، زیرا میزان تجارت میان این دو دولت سالانه به 120 میلیارد دلار می‌رسد. (منبع: 23 Arabic China سپتمبر 2018م) و این مبلغ در مقایسه با تجارت جهانی که به بیشتر از 20 تریلیون دلار می‌رسد، مبلغ محدودی به شمار می‌رود. با این حساب؛ چین در تلاش برای کاستن از تسلط جهانی دالر نسبت به روسیه کم‌جرات‌تر و محتاط‌تر می‌باشد.

به نظر می‌رسد چین به ضررهای تعامل با دالر پی برده، چه از لحاظ حجم ذخایری دالر و یا از لحاظ اوراق قرضه خزانه امریکا و به همین دلیل است که نسبت به تمام دولت‌های جهان به خریداری طلا روی آورده، در حدی که ذخایر طلایش در سال 2008 به 600 تن می‌رسید؛ در حالی که اینک در سال 2018م به 1842 تن می‌رسد و این بیانگر کاهش شدید ذخایر دالر چین است که در سال 2014م با 4 تریلیون دلار به اوج خود رسیده بود. (منبع: سایت Trading Economics)

برای معلومات بیشتر باید گفت که چین تنها در سال 2015م بیشتر از 700 تن طلا خریداری نمود. اما در مورد اوراق قرضه خزانه امریکا باید گفت که چین پس از بحران اقتصادی سال 2008م شروع به فروش آن نمود و دو سال پس از آن بحران بود که میزان امتلاک چین از آن اوراق قرضه رو به سقوط گذاشت، اما هشدارهای امریکا مبنی بر مختل نمودن تجارت چین، که در آن زمان روی غیرصحیح بودن اسباب بازی‌های وارداتی از چین به امریکا متمرکز شده بود، باعث شد چین مجدداً به افزایش میزان آن اوراق قرضه بپردازد تا این که در سال 2013م به اوج خود رسید؛ اما با هشدارهای تجاری که از اداره

ترامپ متوجه چین گردید، چین مجدداً شروع به فروش آن نمود و داشته‌هایش از این اوراق قرضه را به گونه تدریجی کاهش داد. سپس با احتیاط شروع به جستجوی راه مناسب برای کاستن از نقش دلار در تجارت خود نمود و توافقنامه‌هایی را با روسیه، جاپان و سایر دولت‌ها برای استفاده از واحد پولی‌های داخلی برای تجارت امضاء نمود. همچنین بازار بورس شانگهای را نیز برای تجارت نفت بر اساس یوان با پشتیبانی طلا راه‌اندازی نمود، بازاری که در شش ماه نخست فعالیت‌اش درصد تجارت نفت جهانی را به خود اختصاص داد. در عین حال چین در حقوق طراحی ویژه «یوان به دلار امریکایی می‌پیوندد و یورو، ین جاپان و جنیه استرلین در سبد واحد حقوق طراحی ویژه، صندوق یوان چین را به سبد واحدهای پولی علاوه می‌کند که حقوق طراحی ویژه یا "RDS" از تاریخ 1 اکتوبر 2016م از آن تشکیل می‌گردد.» (منبع: <https://www.imf.org> 30 سپتمبر 2016م)

با وجود همه، حجم خزینۀ دلار، اوراق قرضه و... چین مؤثریت این کشور را در کنار زدن دلار کم می‌کند، زیرا "یوان" چین فقط 1.7 درصد از پرداخت‌های جهانی را؛ در حالی که دلار امریکا 40 درصد آن را تشکیل می‌دهد.

ج) اتحادیه اروپا: یورو در سال 1999م ظاهر گردید و تعامل بانکی با آن آغاز گردید و در سال 2002م به عنوان بدیل واحدهای پولی داخلی شماری از دولت‌های اتحادیه اروپا شروع به فعالیت نمود. یورو شروع به رقابت با دلار نمود، زیرا دولت‌هایی با اقتصاد نیرومند در پس آن قرار داشت، مانند آلمان، فرانسه و دولت‌های صنعتی و ثروتمند دیگری نیز به آنان پیوستند و به این ترتیب یورو تبدیل به یک واحد پولی قوی در سطح جهان شد که در پس آن قدرتی مشترک قرار دارد که می‌تواند تأثیر سیاسی جهانی داشته، با امریکا رقابت نماید و ظرفیت ساختن اردوی قوی و مستقلی را نیز دارد که در حال حاضر در پی تشکیل آن می‌باشد. یورو به عنوان ذخیره پولی به نسبت 20 تا 23 درصد وارد بانک‌های مرکزی گردید، اما یکی از عوامل اساسی که مانع تسلط یورو بالای اقتصاد جهانی می‌شود، ضعف نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی اروپا در برابر امریکاست. اتحادیه اروپا خود هنوز در حالت دفاع از وجودش به سر می‌برد، زیرا تهدیدهای نه چندان کم اهمیت دارد؛ بلکه وجود آن را به خطر می‌اندازد، که خروج انگلیس از این اتحادیه، اعتماد به آن را متزلزل نموده و رشد جریان‌های متعصب در دولت‌های عضو را که خواستار جدائی از اتحادیه می‌باشند، این اعتماد را بیشتر متزلزل می‌کند. به علاوه این که تصمیم سیاسی واحدی در اتحادیه وجود ندارد؛ اگر تمام این عوامل را کنار هم قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که واحدهای پولی آن "یورو" و اعتماد به آن را سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

2- دولت‌هایی که در محور امریکا می‌چرخد و با روسیه، چین و اروپا نیز توافق دارند؛ ترکیه، ایران، هند و جاپان:

- عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی ایران در گردهمایی با نمایندگان روسیه و ترکیه، مسئله تجارت با استفاده از واحدهای پولی داخلی به عوض دلار، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. (منبع: روزنامه تهران تایمز 9 سپتمبر 2018م)

- آناضول، آژانس خبری ترکیه با انتشار خبری گفت: «ترکیه، روسیه و ایران توافق نمودند که در مبادلات تجارتي میان خود به جای دلار امریکا از واحدهای پولی داخلی خود استفاده نمایند.» آژانس خبری فوق، که توسط دولت ترکیه اداره می‌شود، به نقل از عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی ایران خبر داد که وی در سخنانی در تهران گفت: «معاملات تجارتي به زودی با استفاده از نرخ ارز ویژه صورت خواهد گرفت.» (منبع: <https://wsahvalne/ar.com> 9 سپتمبر 2018م)

- در اکتوبر 2018م چین و جاپان بر سر یک قرارداد مبادله ارز 30 میلیارد دلاری با هم به توافق رسیدند و این بزرگترین مبادله‌ایست که جاپان تاکنون انجام داده است.

- یوری پرویسوف معاون نخست وزیر روسیه به تاریخ 31 اکتوبر 2018م در اظهاراتی گفت: «معاهده صدور منظومۀ موشک‌های "اس400" به هند با استفاده از "روبل"، واحد پولی روسیه صورت خواهد گرفت.» (منبع: آش 31 اکتوبر 2018م)

- دولت‌هایی را که چین و روسیه سعی دارند به جانب سیاست تعامل با واحدهای پولی داخلی بکشانند، هنوز در محور امریکا می‌چرخند و یا کلاً مزدور آن می‌باشند، یعنی از نظر سیاسی به امریکا وابسته می‌باشند و خیلی زود با امریکا همراه خواهند شد و به هیچ‌وجه در مسئله کنار گذاشتن دلار و یا قرار ندادن آن به عنوان ذخیره نقدی خویش جدی و قاطع نمی‌باشند، زیرا

تصمیم به استقلال اقتصادی باید هم سطح با استقلال سیاسی باشد، مانند چین و روسیه که از هر دو لحاظ مستقل می‌باشند. این‌که ترکیه بحث تعامل با واحد پولی داخلی را با روسیه و چین پذیرفت، دلیل‌اش این بود که آمریکا آن را در یک وضعیت غیرمترقبه‌ای قرار داده بود که با سپری شدن آن اوضاع به حالت اصلی خود برمی‌گشت؛ چنان‌چه از زمانی‌که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا تحریم‌هایی را بالای فولاد ترکیه اعمال نمود و از زمانی‌که آمریکا واحد پولی ترکیه را زیر هجوم خویش قرار داد، اردوغان شروع به انتقاد از دلار و استفاده از آن در بازارهای محلی نمود.

مجموع قرضه‌های ترکیه که از 400 میلیارد دلار فراتر می‌رود، باید با دلار پرداخت گردد و این بدان معنی است، هر باری‌که بهای واحد پولی ترکیه در برابر دلار کاهش پیدا کند، پرداخت قرضه‌های ترکیه مقدار بیشتر و بیشتر لیره را می‌طلبد و این باعث بالارفتن قیمت‌ها و فشار روی مردم خواهد شد و اردوغان و ادار خواهد شد طبق معمول به سخنرانی معصومانه‌ای بپردازد.

و اما در مورد اظهارات اردوغان در ششمین نشست شورای ترک در مرکز فرهنگی "روخ اوردو" در قرغزستان به تاریخ سوم سپتمبر، آنجا که گفت: «پیشنهاد می‌کنیم به عوض دلار آمریکا با واحد پولی خاص خودمان تجارت کنیم»، باید گفت که این اظهارات عاری از هرگونه واقعیت است و بسیار زیاد بعید است که به یک واقعیت عملی تبدیل شود، زیرا ترکیه به گونه‌ای اساسی با اتحادیه اروپا تجارت می‌کند، اما باز هم این تجارت را با دلار انجام می‌دهد، با دلار قرض می‌گیرد و بیش‌ترین میزان ذخایر پولی‌اش از واحدهای پولی بیگانه را با دلار محاسبه می‌کند. به علاوه، نفت و گاز طبیعی و مواد خام وارداتی ترکیه همه با دلار محاسبه می‌گردد. زمانی‌که ترکیه کشیش امریکایی را آزاد نمود و آمریکا پس از آن تحریم‌های اعمال شده را علیه ترکیه رفع کرد، دیدیم که اوضاع در ترکیه به حالت عادی برگشت و دیگر آن حماسه‌ای‌که پیش از رفع تحریم‌ها مبنی بر اولویت دادن به تعامل با واحدهای پولی داخلی وجود داشت، دیگر از سر زبان‌ها افتاد. در مورد دولتی‌هایی‌که در آسیای میانه به زبان ترکیه صحبت می‌کند، باید گفت که این دولت‌ها دنباله‌رو سیاست روسیه می‌باشند و حتی اگر تجارت ترکیه با این دولت‌ها با واحدهای پولی داخلی صورت گیرد، باز هم تأثیر چندانی بالای تجارت جهانی نخواهد گذاشت، زیرا اقتصاد دولت‌های آسیای میانه، اقتصاد فرعی و حاشیه‌ای به شمار می‌رود.

اما ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی سختی‌که آمریکا در جریان سال‌های دراز و بعد از بیرون کردن آن از سیستم بانکی آمریکا بالایش اعمال نموده، اجازه ندارد با دلار معامله نماید. اما پس از آن‌که تحریم‌ها در سال 2015م رفع گردید، ایران نفت‌اش را با دلار می‌فروخت و معاملات بزرگی را با شرکت‌های بین‌المللی، به شمول شرکت‌های اروپایی‌مانند ایرباس و توتال فرانسه، امضاء نمود که فقط با دلار صورت می‌گرفت، انگار هیچ اتفاقی قبلاً نیفتاده بود. بنابر این، تحریم‌ها و برطرف نمودن آن‌ها به گونه‌ای مقطعی بالای اقدامات ایران تأثیرگذار است و از آن جایی‌که این امریکاست که ایران را وارد سیستم تعامل با دلار SWIFT می‌کند و یا از آن بیرون‌اش می‌راند، بناءً زمانی‌که اظهارات خصمانه آمریکا علیه ایران شدت گرفته و دروازه آن را در برابر دلار می‌بندد، ایران در واکنش سروصدهایی مبنی بر استفاده از غیر دلار را بالا می‌کند.

در مورد هند باید گفت: این کشور سال‌هاست که از روسیه سلاح وارد می‌کند و آمریکا از آن ممانعت نکرده، زیرا آمریکا به هند امتیازهای ویژه می‌دهد تا از آن به عنوان نیروی قابل توجه در برابر نفوذ رو به افزایش چین در منطقه استفاده نماید و هند این موضوع را می‌داند و به همین دلیل است که انتظار نمی‌رود هند تلاش کند جای دلار را، به عنوان پول جهانی، به ربل و یا یوان بدهد.

در خصوص جاپان نیز باید گفت که روابط آن با آمریکا نیاز به توضیح ندارد و معاملات‌اش با روسیه به هیچ‌وجه به معنی مخالف بودن با دلار و یا پذیرفتن ربل به عنوان بدیل دلار نیست.

خلاصه این‌که: دولتی‌هایی‌که می‌توانند در کنار زدن دلار تأثیر فعال داشته باشند، همانا روسیه، چین و اتحادیه اروپاست، اما چنان‌که توضیح داده شد، هریک از این دولت‌ها با چالش‌هایی مواجه هستند که روند چنین تحرکی را از جانب آنان تقاضا می‌کند، اما در صورتی‌که بتوانند این چالش‌ها را برکنار کنند، می‌توانند دلار را از جایگاهی‌که دارد، کنار بزنند. اگر آمریکا در این زمینه سعی و تلاش کافی به خرج ندهد، به زودی و ناگهان با دالری ضعیف مواجه خواهد شد و آنگاه است که تمام سرمایه

دالری‌اش در معرض طوفان شدید قرار خواهد گرفت، زیرا امریکا از حجم عظیم قرض رنج می‌برد، چنان چه مجله Washington Examiner امریکائی به تاریخ 1 اکتوبر 2018م در مقاله‌ای نوشت: «بنا به گفته یک سایت اینترنتی حکومتی، که قرضه‌ها را تعقیب می‌کند، قرض‌های حکومتی امریکا در جریان سال مالی گذشته که به تاریخ 30 ایلول 2018م پایان یافت، به بیشتر از 1.2 تریلیون دالر رسید و قرضه‌های ملی امریکا در پایان سال مالی 2017م به "20.25" تریلیون دالر رسیده بود و این مبلغ در آخر سال مالی 2018م به "20.52" تریلیون رسید.

شکی نیست که قرضه‌های امریکا در جریان ده‌ها سال گذشته این کشور را به تنگنای اقتصادی رسانیده و با فرارسیدن بحران اقتصادی سال 2008م، این قرضه‌ها از 8 تریلیون به سقف 21 تریلیون رسید و در حال حاضر تنگنای اقتصادی امریکا در حال تنگتر شدن است و "بولتون" این روند را برای امنیت ملی امریکا خطرناک تلقی نموده گفت که نیاز به راه‌حل فوری دارد، یعنی آینده نزدیک و متوسط و نه درازمدت.

کار امریکا در حال حاضر به جایی رسیده که در فرصت باقی مانده‌اش برای سنجش تدبیری مناسب تنها یک راه دارد و آن هم "چاپ دالر بیشتر" و چاپ دالر بیشتر که بتواند نیازهای دولت را برطرف کند، چه رسد به پرداخت قرضه‌ها، منجر به سقوط دالر و یا به گفته وزیر خزانهداری امریکا "دالر ضعیف" خواهد شد. از جانب دیگر، دولت‌هایی که با دالر تجارت می‌کنند و ذخایر مالی‌شان با دالر است و در اوراق قرضه خزانه امریکا سهم دارند، به هر اندازه که دالر ضعیف شود، این دولت‌ها نیز به همان اندازه حجم سرمایه‌های‌شان را از دست می‌دهند و این یعنی ضربه نیرومند به این دولت‌ها است!

در هر حال؛ واقعیت فعلی طوری است که این دولت‌ها نمی‌توانند غیر از دالر به هیچ واحد پولی دیگری اعتماد کنند، اما می‌توان گفت که تلاش‌های روسیه و چین برای تعامل بر اساس واحدهای پولی داخلی و بستن معاملاتی با دولت‌های دیگر بر اساس پول‌های داخلی در شکستن تسلط دالر تأثیرگذار خواهد بود، البته در صورتی که این کارهای با قوت تمام و بدون تأخیری ادامه داشته باشد و می‌دانیم که نقش اروپا در کنار چین تأثیر بزرگی دارد. روی آوردن به خریداری طلا این روند را استحکام بیشتر می‌بخشد، اما در صورتی که طلا به عنوان کالایی برای به دست آوردن دالر در بانک‌های مرکزی و در هنگام نیاز دولت‌ها و یا به عنوان ذخیره‌ای برای پشتیبانی از پول کاغذی دادوستد گردد، در حل مشکل سهم نخواهد داشت. بدون شک این مشکل حل نخواهد شد؛ مگر آن که طلا و نقره به عنوان پول رایج به کار گرفته شود و هرگاه پول‌های کاغذی چاپ گردد، باید به میزان طلا و نقره موجود باشد و نه این که طلا و نقره تنها یک کالایی در بانک‌ها باشند که از آن برای استفاده از آنچه که پول سخت نامیده می‌شود، کار گرفته شود و بس. یعنی بانک مرکزی هر دولت باید واحد پولی‌اش را بر اساس طلا و نقره منتشر نماید و روی پول‌های کاغذی، قیمت معادل آن با طلا یا نقره درج گردد و دارنده آن بتواند در هر زمانی که بخواهد به بانک مراجعه نموده و معادل آن را از طلا یا نقره به دست آورد، یعنی از پول کاغذی به صفت معاون طلا و نقره استفاده شود؛ به این ترتیب، سلطه و قدرت واقعی از طلا و نقره باشد.

به این ترتیب، هیچ دولتی نمی‌تواند سرمایه‌های دیگران را به غارت برده و یا از تلاش‌های آنان سوء استفاده نموده و با استفاده از ابزار جنگی خویش، جنگ‌های خصمانه را توسط کاغذهای بی‌ارزش خویش علیه دیگران راه‌اندازی نماید.

با بررسی واقعیت کنونی متوجه می‌شویم که در حال حاضر هیچ دولت و قدرتی توان چنین کاری را ندارد، بجز دولت خلافت که چاره‌ای جز تعامل با طلا و نقره را ندارد، زیرا این یک حکم شرعی است که الله سبحانه و تعالی دستور آن را صادر نموده و رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را در دولت خویش عملاً به کار گرفته و خلفای راشدین پس از وی و سایر خلفایی که بعد از آنان آمدند تا سقوط دولت خلافت در سال 1342 هـ.ق موافق با سال 1924م، بر اساس آن تعامل نمودند و پس از آن بود که رهبری باطل آغاز گردید.

در حال حاضر ایدئولوژی سرمایه‌داری بر جهان حاکمیت می‌کند؛ ایدئولوژی که حاملین آن هیچ دغدغه‌ای بجز به غارت بردن و خوردن مال مردم به باطل و جمع نمودن دارایی‌های بی‌شمار و شمارش کردن آن و این حاکمیت ظالمانه‌ای انسانی است، ندارند؛ ایدئولوژی که پیامدهای تطبیق آن بالای بشر را همه روزه شاهدیم؛ بحران‌های اقتصادی ویرانگر و بازی با سرنوشت و زندگی مردم و به غارت بردن سرمایه‌های‌شان و هدر دادن دارایی‌های آنان با پول‌های کاغذی بی‌ارزشی که در ذات خود

هیچ اهمیتی ندارند. بناءً این ایدئولوژی باطل باید نابود گردد و زمینه برای رهبری ایدئولوژی اسلام که همان ایدئولوژی حق و عدالت است، فراهم گردد؛ حق و عدالتی که تنها در سایه این دولت تأمین خواهد گردید. الله سبحانه و تعالی و عده تحقق این ایدئولوژی را در قالب دولت اسلامی به بندهگان مؤمن و عاملین و صالحین اش داده و می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾

[روم: 6]

ترجمه: وعده الله (سبحانه و تعالی) است؛ الله (سبحانه و تعالی) وعده‌اش را خلاف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

باید دانست تا زمانی که جهانیان شریعت الهی را در زندگی خویش داور قرار ندهند، همواره در چنین بدبختی‌های اقتصادی و مالی باقی خواهند ماند. او تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾

[طه: 124]

ترجمه: و هرکس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ و سختی خواهد داشت!

12 ربیع الاول 1440 هـ.ق

26 نومبر 2018 م